Mashreq- e Mouood
Mahdism Scientific-Research Quarterly
Online ISSN: 2717-2015
Print ISSN: 2423-7663
Nineteenth year, No 76, Summer 2025

Examining the possibility of issuing corruption and the presence of corrupt individuals in the promised society

Dr. Saeed Omidian Dehno [1]

Seyyed Mahdi Hosseini [2]

Eslam Pourkhademi [3]

Abstract

According to the verses and narrations, after the formation of the Mahdist government, great scientific, cultural, economic, political and social developments will occur in the Promised Society in an unparalleled manner. However, despite all these positive developments, the question is whether committing corruption and sin in such a society is possible or whether corruption is completely ruled out in the Promised Society? According to the results of this research, the issuance of corruption in the Promised Society is rationally possible and inherently possible, and in terms of narration, several verses from the Holy Quran are used that corruption will be realized in the Promised Society and that the corrupt will also be present. Also, numerous narrations indicate the occurrence of corruption and the existence of the corrupt in such a Promised Society. On the contrary, some narrations indicate the exclusion of the issuance of corruption in the Promised Society. The common denominator between these two sets of evidence is that we can attribute the news indicating the absence of corruption in the promised society to the rarity of corruption in the promised society, stating that in the Mahdavi government, by weakening the grounds for corruption and strengthening the grounds for good deeds, the atmosphere of society becomes so free from sin that it seems that the minor corruption that is committed is not taken into account and is excluded. This article is written using a library method and in a descriptive and analytical manner.

Keywords: Promised Society, Mahdist government, possibility of corruption, corrupt people

1. Faculty member and assistant professor, Qom University of Technology, Qom, Iran(omidiyan@qut.ac.ir)
2. Advanced Student (Level Four) in Mahdism Studies, Promised Specialized Center, Qom, Iran(Corresponding author) (mh791247@gmail.com)
3. Advanced Student (Level Four) in Mahdism Studies, Promised Specialized Center, Qom, Iran (impm1391@chmail.ir)

مشـــرق موعود
فصلنامـه علمـی - پژوهشـی مهدویـت
شاپا چاپی : 2423-7663
شاپا الکترونیک : 2717-2015
دوره نوزدهم / شماره ۲ (پیاپی ۷۶) / تابستان ۱۴۰۴

بررسی امکان صدور فسق و حضور فاسقان در جامعه موعود*

سعید امیدیان دهنو[۱]
سیدمهدی حسینی[۲]
اسلام پورخادمی[۳]

چکیده

بنابر آیات و روایات بعد از تشکیل حکومت مهدوی تحولات عظیم علمی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، به گونه‌ای بی‌نظیر، در جامعه موعود ایجاد می‌شود، اما با وجود همه این تحولات مثبت، سوال این است که آیا ارتکاب فسق و گناه در چنین جامعه‌ای امکان دارد یا این‌که به کلی فسق در جامعه موعود منتفی می‌گردد؟ طبق نتایج این پژوهش، صدور فسق در جامعه موعود از نظر عقلی، امکان ذاتی و وقوعی دارد و از لحاظ نقلی، از آیات متعدی از قرآن کریم استفاده می‌شود که فسق در جامعه موعود محقق می‌شود و فاسقان نیز حضور خواهند داشت همچنین روایات متعددی هم دلالت بر وقوع فسق و وجود فاسقان در چنین جامعه موعودی دارند. در نقطه مقابل، روایاتی دلالت بر انتفاء صدور فسق در جامعه موعود دارند. وجه جمع میان این دو دسته از ادله این است که اخبار دال بر انتفاء صدور فسق در جامعه موعود را حمل بر ندرت صدور فسق در جامعه موعود کنیم، بدین بیان که در حکومت مهدوی با تضعیف زمینه‌های صدور فسق و تقویت زمینه‌های صدور اعمال صالح، به حدی فضای جامعه عاری از معاصی می‌شود که گویا فسق جزئی که صادر می‌شود، به حساب نیامده و منتفی است. این مقاله با روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی و تحلیلی نگاشته شده است.

واژگان کلیدی

جامعه موعود، حکومت مهدوی، امکان فسق، فاسقان.

مقدمه

طبق آیات و روایات، بعد از تشکیل حکومت مهدوی، حکومت به صالحان می‌رسد، دین

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۹

۱. عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه صنعتی قم، قم، ایران(omidiyan@qut.ac.ir).
۲. فارغ‌التحصیل سطح چهار مهدویت، مرکز تخصصی موعود ، قم، ایران(نویسنده مسئول) (mh791247@gmail.com).
۳. دانش‌آموخته سطح چهار مهدویت، مرکز تخصصی موعود، قم، ایران(impm1391@chmail.ir).

حق در سراسر عالم، حاکم و غالب می‌شود، تحولات عظیم مادی و معنوی در جامعه ایجاد می‌شود، شیطان به دست امام عصر علیه‌السلام به هلاکت می‌رسد، همه بدعت‌ها نابود می‌شوند و سنت‌های فراموش شده، احیا می‌گردند، عقل و خرد بشر، به تکامل می‌رسد و هواهای نفسانی تحت هدایت الهی قرار می‌گیرند. لکن با وجود همه این تحولات مثبت، سوال این پژوهش این است که آیا ارتکاب فسق و گناه در چنین جامعه موعودی امکان دارد یا خیر؟ بر فرض امکان آیا واقع هم می‌شود یا خیر؟

پیشینه تحقیق و امتیاز این پژوهش

موضوع پژوهش حاضر ابتکاری بوده و سابقه چندانی در پژوهش‌های سابق ندارد. در ادامه پیشینه این پژوهش را در دو مقام خاص و عام ذکر می‌کنیم:

الف) پیشینه عام

مقاله "تأملی بر نظریه وجود اهل کتاب در دوران حکومت جهانی امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف" (الهی‌نژاد، ۱۳۹۴) دراین مقاله نویسنده به اثبات وجود اهل کتاب تا روز قیامت می‌پردازد.

ب) پیشینه خاص

پایان‌نامه با عنوان "وضعیت تکلیف و گناه در عصر مهدوی" که درسال ۱۳۹۹شمسی تدوین شده است، به برخی از ابعاد موضوع ما پرداخته است. بخش‌های زیادی از تحقیق مذکور به بررسی وضعیت تکلیف در عصر مهدوی پرداخته است. نویسنده در این مقاله درصدد یافتن پاسخ به این سوال بوده است که: آیا بندگان پس از ظهور هم‌چنان مکلف به احکام و دستورات شرعی خواهند بود، یا این‌که دیگر تکلیفی در کار نخواهد بود؟

امتیاز پژوهش حاضر دراین است که جوانب این مسئله را به صورت تفصیلی، از منظر عقلی و نقلی بررسی می‌کند.

مفاهیم و ادبیات نظری پژوهش

الف) فسق

ابن فارس در کتاب ***معجم المقاییس اللغه*** نقل کرده است که عرب فسق را در اصل به معنای خروج خرما از پوستش تعبیر کرده است در ادامه ایشان فسق را به خروج از طاعه معنا کرده است(ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج۴، ص. ۵۰۲). صاحب کتاب ***العین*** می‌گوید، فسق به معنای ترک کردن امر خداوند و میل به معصیت است(فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج۵، ص. ۸۲). راغب اصفهانی در

مفردات زوایای دیگری از این واژه را روشن می‌کند و می‌گوید که فَسَقَ فلانٌ: یعنی شخص از ممنوعیت‌ها و حرمت شرع خارج شده است. فسق اعم از کفر است و به کم‌وزیاد گناهان هر دو اطلاق می‌شود، ولی به طور معمول است، فسق در گناهان زیاد، بیشتر به کار می‌رود، و در اکثر مواردی که کلمه فَاسِق به کار می‌رود منظور کسی است که نخست انجام‌دادن حکم شرع را ملتزم شده و به آن اعتراف و اقرار کرده، و سپس تمام احکام یا بعض از آنها را تباه می‌کند و به الزام و اقرار خویش وفا نمی‌کند، ولی هر گاه به کافر اصلی و واقعی «فاسق» گفته شود برای این است که به حکمی که عقل و خرد آن را الزام می‌کند و یا فطرت بر آن حکم می‌کند وفا ننموده و به‌حکم عقل و فطرت اخلال وارد کرده است(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۶۳۷). صاحب کتاب *لسان العرب* فسق را به معنای خروج از راه حق تعبیر کرده است(ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج۱۰، ص. ۳۰۸).

باتوجه‌به معانی ذکر شده می‌توان گفت که فسق به معنای خروج از حق است.این مفهوم اعم از گناهان کبیره و صغیره است؛ زیرا در گناهان صغیره هم خروج و انحراف از حق صورت‌گرفته است و فرقی هم نمی‌کند که فسق صادر از چه کسی بشود اعم از مسلمان، اهل کتاب و... اکثر موارد استعمال این واژه در مواردی است که شخص معتقد و ملتزم به احکام الهی، عملاً از دستورات شرع سرپیچی بکند. لکن در مواردی قلیلی که این واژه بر افراد کافر و منافق اطلاق شده، اطلاقش، به اعتبار خروج این افراد از حکم عقل و فطرت است.

ب) امکان

مراد از امکان مطرح شده در عنوان پژوهش، امکان عرفی است و در عرف هنگامی که می‌گویند فلان چیز ممکن است؛ یعنی عدم برای آن ضرورت ندارد به این معنا که محال نیست. محال نیز بر دو قسم است:

محال ذاتی: امری است که در ذات خویش بدون آنکه پای امر دیگری در میان باشد، محال و ناشدنی است؛ مانند اجتماع یا ارتفاع نقیضین که از روشن‌ترین مصادیق محال ذاتی است.

محال وقوعی: امری است که فی حد نفسه و با نظر به ذات آن محال نیست، ولی وقوع آن مستلزم محال ذاتی است، مثل وجود معلول بدون علت که محال وقوعی است(سبزواری، ۱۳۶۹، ج۲، ص. ۲۵۶).

بررسی امکان صدور فسق در جامعه موعود از منظر عقل

صدور فسق در جامعه موعود از نظر عقل، امکان ذاتی و وقوعی دارد. ذاتاً ممکن است؛ زیرا

که فی‌نفسه تصور صدور فسق در جامعه موعود محال نیست. امکان وقوعی دارد؛ زیرا هم به حسب ذاتش ممکن است و هم به سبب عوامل خارجی مانعی برای وقوع آن نیست، به بیان دیگر تصور صدور فسق در جامعه موعود مستلزم محال هم نیست.

ادله نقلی صدور فسق در جامعه موعود

از منظر ادله نقلی، آیات و روایاتی بر صدور فسق در جامعه موعود دلالت می‌کنند که در ادامه طرح و بررسی خواهیم نمود؛

الف) آیات

۱.آیه دال بر اوصاف حکومت مهدوی

از جمله آیات مهمی که به وضعیت فاسقان در جامعه موعود اشاره دارد، آیه ۵۵ سوره نور است.

۱. ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دينَهُمُ الَّذِي ارْتَضى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً يَعْبُدُونَني لا يُشْرِكُونَ بي شَيْئاً وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذلِكَ فَأُولئِكَ هُمُ الْفاسِقُونَ﴾(نور:۵۵)؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین [دیگران] کند، همان‌گونه که پیشینیان آنان را جانشین[دیگران] کرد، و قطعاً دین‌شان را که برای آنان پسندیده به سودشان استوار و محکم نماید، و یقیناً ترس را تبدیل به امنیت کند، [تا جایی که] فقط مرا بپرستند [و] هیچ چیزی را شریك من نگیرند و آنان که پس از این نعمت های ویژه ناسپاسی ورزند [در حقیقت] فاسق‌اند.

در این آیه ابتدا خداوند استخلاف عباد صالح در زمین را ذکر کرده و سپس از تسلط دین حق در تمام عالم صحبت به میان می‌آورد و در ادامه امنیت مؤمنین مطرح می‌گردد که در پرتو این امنیت است که عبادت خالصانه محقق می‌شود و در انتها آیه می‌فرماید هر کس بعد از تحقق همه این تحولات مثبت و رفع موانع بندگی الهی، باز هم کفر بورزد، چنین افرادی حقیقتاً فاسق‌اند.

قریب به‌اتفاق مفسران امامیه آیه مذکور را مهدوی می‌دانند(زکی و عظیمی فر، ۱۴۰۳).

آنچه در آیه که به‌عنوان دلیل بر صدور فسق در جامعه موعود مورد استناد قرار می‌گیرد، عبارت ﴿وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذلِكَ فَأُولئِكَ هُمُ الْفاسِقُونَ﴾ است. با دقت در این عبارت روشن می‌شود که امکان صدور فسق در جامعه موعود مهدوی منتفی نمی‌گردد، زیرا اگر صدور فسق در جامعه

مهـدوی ممکـن نبـود بـه‌جای کلمـه «مَـن» شـرطیه، جـا داشـت کـه «لـو» شـرطیه بـه کـار می‌رفت(بدین بیان: و«لو» یکفرون بعد ذلک فاولئک...)[1] زیرا «لو» دلالت بر انتفاء جواب، به خاطر انتفاء الشرط می‌کند.

در مورد بخش پایانی آیه﴿وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذلِكَ فَأُولئِكَ هُمُ الْفاسِقُونَ﴾ مفسرین، بیانات مختلفی دارند؛

شیخ طوسی رحمه‌الله در ذیل این آیه مشار الیه ذلک را «بیان وعده‌های الهی» دانسته و می‌فرمایند ذکر فسق بعد از کفر در این آیه، باوجود آنکه کفر بالاتر از فسق است به‌خاطر یکی از دو مطلب زیر می‌باشد؛

۱. خداوند در این آیه کافرانی را اراده کرده که کفرشان را به نهایت رسانده‌اند؛ چون فسق در هر چیزی، خروج به نهایت آن چیز است.

۲. مراد از کفر در این‌جا، کفران نعمت است و نه کفر به خداوند متعال(طوسی، ۱۳۸۹، ج۷، ص. ۴۵۵).

که طبق بیان ایشان هر کس بعد از بیان این وعده‌های محکم الهی در قرآن کریم، باز هم کفر بورزد، حقیقتاً فاسق خواهد بود بنابراین، آیه دلالتی بر صدور فسق در حکومت مهدوی ندارد.

زمخشری در ***تفسیر کشاف*** در تفسیر این فراز از آیه می‌گوید: چنین کسانی که بعد از مهیا شدن تمام زمینه‌های عبودیت و بندگی، باز هم مرتکب فسق می‌شوند، واقعاً انسان‌های ناشکر و فاسقی هستند؛ زیرا نسبت به چنین نعمت عظیمی کفر و ناسپاسی نموده‌اند(زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج۳، ص. ۲۵۲). اکثر تفاسیر اهل‌سنت کفر در این آیه را به معنای کفران نعمت دانسته‌اند نه کفر به خداوند تبارک و تعالی(طبری، ۱۴۱۲ق، ج۱۸، ص. ۱۲۲؛ مراغی، ۱۴۰۰ق، ج۱۸، ص. ۱۲۷؛ خواجه عبدالله انصاری، ۱۳۷۱، ج۶ ، ص. ۵۶۱؛ قرطبی، ۱۴۱۷ق، ج۱۲، ص. ۳۰۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج۸ ، ص. ۲۶۳).

تفسیر نمونه در ذیل این آیه بیان می‌دارد:

> ذکر این نکته نیز لازم است که معنی حکومت صالحان و تمکین آئین حق و عبادت خالی از شرك این نیست که در چنان جامعه‌ای هیچ گنهکار و منحرفی وجود نخواهد داشت، بلکه مفهومش این است که نظام حکومت در دست مؤمنان صالح است، و

۱. لو شرطیه، قلیلاً برای تعلیق در مستقبل به کار می‌رود مانند: لو تزورنی اکرمک(یعقوب، ۱۹۹۸م، ص. ۵۸۶).

چهره عمومی جامعه خالی از شرك، وگرنه مادامی که انسان دارای آزادی اراده است ممکن است در بهترین جوامع الهی و انسانی احیانا افراد منحرفی وجود داشته باشد(مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۱۴، ص. ۵۳۴).

اشکال به استدلال به آیه فوق: تحقق جواب(اولئک هم الفاسقون) در جمله شرطیه، متوقف بر تحقق شرط(من کفر بعد ذلک) است که در این‌جا تحقق شرط احراز نمی‌گردد و به بیان فنی، حکم موضوع ساز نیست؛ بنابراین آیه بر وجود کافران(که فاسق حقیقی‌اند)در زمان حکومت مهدوی دلالت نمی‌کند.

۲. آیات دال بر وجود دشمنی و کینه میان اهل کتاب تا روز قیامت

آیات دیگری که دلالت بر وجود فاسقان در جامعه موعود می‌کند، آیه ۱۴ و آیه ۶۴ سوره مائده است:

خداوند متعال در آیه ۱۴ سوره مائده می‌فرمایند:

﴿وَ مِنَ الَّذِینَ قالُوا إِنَّا نَصاری أَخَذْنا مِیثاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُکِّرُوا بِهِ فَأَغْرَیْنا بَیْنَهُمُ الْعَداوَةَ وَ الْبَغْضاءَ إِلی یَوْمِ الْقِیامَةِ﴾(مائده:۱۴)؛

و ما از کسانی که ادعای نصرانیت داشتند پیمان گرفتیم، پس قسمتی از پندهای ما را فراموش نمودند، ما هم دشمنی و کینه را تا قیامت در بینشان انداختیم.

همچنین در آیه ۶۴ مائده خداوند متعال در مورد قوم یهود می‌فرمایند:

﴿قالَتِ الْیَهُودُ یَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَیْدِیهِمْ وَ لُعِنُوا بِما قالُوا بَلْ یَداهُ مَبْسُوطَتانِ یُنْفِقُ کَیْفَ یَشاءُ وَ لَیَزِیدَنَّ کَثِیراً مِنْهُمْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ طُغْیاناً وَ کُفْراً وَ أَلْقَیْنا بَیْنَهُمُ الْعَداوَةَ وَ الْبَغْضاءَ إِلی یَوْمِ الْقِیامَةِ کُلَّما أَوْقَدُوا ناراً لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ یَسْعَوْنَ فِی الْأَرْضِ فَساداً وَ اللَّهُ لا یُحِبُّ الْمُفْسِدِینَ﴾(مائده:۶۴)؛

یهود گفتند: دست خدا بسته است. دست‌هاشان بسته باد و به کیفر گفتار باطل‌شان بر آنان لعنت باد؛ بلکه هر دو دست خدا همواره گشوده و باز است [به هر چیز و به هر کس] هر گونه بخواهد، روزی می‌دهد. و مسلماً آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده است، بر سرکشی و کفر بسیاری از آنان می‌افزاید. و ما میان [یهود، نصاری و گروه‌های دیگر] آنان تا روز قیامت کینه و دشمنی انداختیم. هر زمان آتشی را برای جنگ [با اهل ایمان] افروختند خدا آن را خاموش کرد، و همواره در زمین برای فساد می‌کوشند، و خدا مفسدان را دوست ندارد.

اشکال: عبارت"القینا بینهم العداوه و البغضاء الی یوم القیامه" حکمی است در مورد یهود و

نصاری و از طرفی حکم موضوع‌ساز نیست، بنابراین مادامی که موضوع(یهود و نصاری) باقی باشند حکم عداوت و دشمنی میان آنها باقی خواهد بود اما آیه تنها دلالت بر حکم می‌کند و دلالت بر وجود موضوع(یهود و نصاری) تا روز قیامت نمی‌کند.

در پاسخ این اشکال بیان می‌شود: از آن‌جایی که عداوت و بغضاء وصف انسان است، بی‌شک تداوم وصف بدون تداوم موصوف، بی‌معنی است و لذا وقتی که شاخصه‌های عداوت در میان اهل کتاب تداوم داشته باشد، موصوف آن وصف که اهل کتاب‌اند نیز تا هنگامه قیامت با آئین خود ادامه حیات خواهند داد.

علامه طباطبایی در ***تفسیر المیزان*** ذیل آیه﴿وَ أَلْقَيْنا بَيْنَهُمُ الْعَداوَةَ وَ الْبَغْضاءَ إِلى يَوْمِ الْقِيامَةِ﴾ (مائده:۶۴) می‌فرمایند:

> ظاهر این‌که این جمله در سیاق جملاتی قرار گرفته که در باره یهود است، این است که ضمیر"هم" در"بینهم" به یهود برگردد ولو این‌که افتتاح این سیاق به اهل کتاب شده و اهل کتاب تنها یهود نیستند، بنابراین، مقصود از"عداوت" و "بغضاء"، تشتت عقاید و اختلاف مذاهب خواهد بود که خدای تعالی هم در مواضعی از کلام خود به آن اشاره کرده و فرموده: "وَ لَقَدْ آتَيْنا بَنِي إِسْرائِيلَ الْكِتابَ وَ الْحُكْمَ وَ النُّبُوَّةَ ... فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْياً بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ فِيما كانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ" و آیات دیگر.
>
> و اما عداوت، گویا مراد از عداوت، خشم توأم با تجاوز عملی است، و مراد از بغضاء تنها خشم درونی است که ممکن است با تجاوزات عملی هم همراه باشد و یا نباشد. در نتیجه وقتی این دو کلمه با هم ذکر شوند هر دو معنا را افاده می‌کنند و می‌رسانند که خدای حکیم در بین یهود هم خشم و نفرت درونی، و هم نزاع انداخته و در جمله"إِلى يَوْمِ الْقِيامَةِ" نکته‌اي است و آن این‌که این امت تا قیامت باقی خواهند ماند و منقرض نخواهند شد(طباطبایی ۱۳۷۴، ج۶، ص. ۵۰).

همچنین آیت‌الله مکارم شیرازی در ***تفسیر نمونه*** ذیل آیه فوق می‌فرمایند:

> ممکن است که مسیحیت (و یا مسیحیت و آئین یهود) به صورت يك اقلیت بسیار ضعیف در جهان حتی در عصر مهدی باقی بماند، زیرا مي‌دانیم در آن عصر نیز آزادی اراده انسان‌ها از بین نمی‌رود و دین جنبه اجباری پیدا نمی‌کند اگر چه اکثریت قاطع مردم جهان راه حق را مي‌یابند و به آن می‌گروند و مهم‌تر از همه این‌که حکومت روی زمین يك حکومت اسلامی خواهد بود(مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۴، ص. ۳۱۹).

آیت‌الله جوادی آملی در ***تفسیر تسنیم*** ذیل آیه ۶۴ مائده می‌فرمایند:

تعبير (إلي يَومِ القِيامَة) درباره يهود و نصارا نشان مي‌دهد كه پيروان اين دو آئين تا قيامت هستند و با يكديگر اختلاف دارند. هم اكنون نيز بسياري از جنگ‌ها را اقوام مختلف مسيحيت شكل مي‌دهند و آنان با يكديگر و با يهودي‌ها و مسلمانان نيز اختلاف دارند.

قيامت، يا همان روز ظهور حضرت ولي‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است كه از اشراط الساعه به شمار مي‌آيد؛ يا آخرت است. بر اين پايه، هنگام ظهور آن حضرت نيز آنها با يكديگر اختلاف دارند و چنين نيست كه همه آنها مسلمان شوند، بلكه عده‌اي جزيه مي‌پردازند و گروهي منافقانه زندگي مي‌كنند و وجود مبارك آن حضرت را نيز با همكاري بد انديشان ديگر شهيد خواهند كرد.

گفتني است كه برخي از گناهان همانند إلحاد ممكن است مايه عذاب طولاني و مستمر گردد؛ و ليكن چنين كيفري مخصوص معاد است؛ امّا در دنيا هرگز گناه، سبب كيفر دائم تا روز قيامت نخواهد شد، مگر گناهي مستمر باشد و چون همه نسل‌هاي مسيحيان به ارتكاب گناه ياد شده مبتلا هستند و تا قيامت بر بدرفتاري و تمرّدشان اصرار دارند: ﴿لَن تَرضي عَنكَ اليَهودُ ولاَالنَّصاري حَتّي تَتَّبِعَ مِلَّتَهُم﴾(بقره:۱۲۰)؛ گرفتار چنين كيفر هميشگي‌اند و گناه مستمر، سبب كيفر مستمر آنها شده است.

تذكّر: كلمه(إلي يَومِ القِيامَة) يا متعلق به اغراء است؛ يا مرتبط به عداوت و بغضاء. به هر روي، كينه‌توزي اين گروه تا قيامت استمرار دارد(جوادی آملی، ۱۳۹۹، ج۲۲، ص. ۱۷۴).

در مورد فرمایش آیت‌الله جوادی آملی اشکالی که می‌شود این‌که تطبیق یوم القیامه بر روز ظهور حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، خلاف ظاهر است و نیازمند قرینه است که در این‌جا منتفی است، پس احتمال دوم متعین است. آنچه از این دو آیه مستفاد می‌شود این است که یهود و نصارا تا روز قیامت باقی خواهند بود و دشمنی و کینه میان آنها تا روز قیامت ادامه خواهد داشت. بنابراین آیه صریح است در صدور فسق توسط اهل کتاب تا روز قیامت که واضح است که قید زمانی تا روز قیامت، زمان پس از تشکیل حکومت امام مهدی علیه‌السلام را نیز در بر می‌گیرد.

۳. آیه دال بر این‌که کیفر یهودیان تا روز قیامت ادامه دارد

﴿وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلى يَوْمِ الْقِيامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَريعُ الْعِقابِ وَ إِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحيمٌ﴾ (اعراف:۱۶۷)؛

و یاد کن هنگامی که پروردگارت اعلام داشت که تا روز قیامت بر آنان(یهود) کسانی را خواهد گماشت که به آنها عذاب سخت بچشانند. آری پروردگار تو زود کیفر است و نیز او آمرزنده بسیار مهربان است.

آیه ۱٦۷ اعراف دلالت می‌کند بر این‌که کیفر یهودیان تا روز قیامت ادامه خواهد داشت و روشن است که کیفر اینان در برابر ظلم و فسادی است که مرتکب می‌گردند. مدت زمان وعده عذابی که خداوند در این آیه به قوم یهود داده است تا هنگامه قیامت است.

به تعبیر صاحب *تفسیر نمونه* یهودیان هیچ‌گاه روی آرامش را به خود نخواهند دید.

این آیات در حقیقت اشاره به قسمتی از کیفرهای دنیوی آن جمع از یهود است که در برابر فرمان‌های الهی قد علم کردند و حق و عدالت و درستی را به زیر پا گذاردند. از این آیه استفاده می‌شود که این گروه سرکش، هرگز روی آرامش کامل نخواهند دید، هر چند برای خود حکومت و دولتی تأسیس کنند، باز تحت فشار و ناراحتی مداوم خواهند بود، مگر این‌که به راستی، روش خود را تغییر دهند، و دست از ظلم و فساد بکشند(مکارم، ۱۳۷۴، ج۶ ، ص. ۴۲۹).

بنابراین یهودیان نه تنها در عصر ظهور، بلکه تا روز قیامت باقی خواهند ماند و به جهت کیفر اعمال‌شان، عذاب سختی را خواهند چشید.

۴. برتری مسیحیان بر یهودیان تا قیامت

خداوند متعال در آیه ۵۵ سوره آل‌عمران می‌فرمایند:

﴿إِذْ قالَ اللَّهُ يا عِيسى إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَ رافِعُكَ إِلَيَّ وَ مُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ جاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلى يَوْمِ الْقِيامَةِ﴾(آل‌عمران:۵۵)؛

یادآور زمانی را که خداوند فرمود: ای عیسی! همانا من تو را گرفته و به سوی خویش برآرم و از کفّار دورت نمایم و پیروانت را تا قیامت بالادست و مسلط بر کفار گردانم.

صاحب *تفسیر نمونه* در ذیل این آیه می‌فرماید:

این آیه یکی از آیات اعجازآمیز و از پیشگویی‌ها و اخبار غیبی قرآن است که می‌گوید پیروان مسیح علیه‌السلام همواره بر یهود که مخالف مسیح علیه‌السلام بودند برتری خواهند داشت.

در دنیای کنونی، این حقیقت را با چشم خود می‌بینیم که یهود و صهیونیست‌ها بدون وابستگی و اتکاء به مسیحیان، حتی یك روز نمی‌توانند به حیات سیاسی و اجتماعی خود ادامه دهند، روشن است که منظور از﴿الَّذِينَ كَفَرُوا﴾، جماعتی از یهود می‌باشند که به مسیح علیه‌السلام کافر شدند(مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۲، ص. ۵۷۰).

بنابراین، از این آیه نیز استفاده می‌شود که یهود و نصارا تا روز قیامت باقی خواهند ماند، هرچند ممکن است در اقلیت باشند و بدون آن‌که صاحب اختیار و اقتدار گردند، در پناه دولت اسلامی جان و مال و آبرو و ناموس آنها محفوظ باشد.

در بحث مصداق‌شناسی فسق بیان نمودیم که کفر و بی‌ایمانی یکی از مصادیق فسق است بنابراین وجود کافران تا روز قیامت، ملازم با صدور فسق است.

ب) روایات

۱. روایات دال بر صدور فسق در جامعه موعود

روایات متعددی بر صدور فسق در جامعه موعود دلالت دارند که براساس ترتیب معصومین علیهم‌السلام آنها را ذکر و بررسی می‌کنیم؛

۱. روایت نخست، روایتی است که در کتاب ***محاسن*** از امام حسین علیه‌السلام نقل شده است، که حضرت فرمودند:

... إِذَا قَامَ قَائِمُ الْعَدْلِ وَسَّعَ عَدْلَهُ الْبَرَّ وَ الْفَاجِرَ(برقی، ۱۳۷۱ق، ج۱، ص. ۶۱)؛
چون قائم عدل قیام کند، عدالتش نیکوکار و فاجر را در بر می‌گیرد.

در دلالت این روایت بر مدعی، اشکال می‌شود که عبارت(اذا قام قائم العدل) ناظر به مراحل اولیه قیام حضرت، جهت برقراری عدالت مهدوی در سراسر عالم است، که طبیعتاً هنوز افراد فاسق وجود دارند بنابراین روایت، دلالت بر وجود فاسق پس از تشکیل و استقرار حکومت مهدوی ندارد.

۲. روایت دوم، روایتی از امام باقر علیه‌السلام است که آن حضرت فرمودند:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَرَضَ الْإِيمَانَ عَلَى كُلِ نَاصِبٍ فَإِنْ دَخَلَ فِيهِ بِحَقِيقَةٍ وَ إِلَّا ضَرَبَ عُنُقَهُ...(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۸، ص. ۲۲۷)؛
هنگامی که قائم قیام نماید، ایمان را بر هر فرد ناصبی عرضه می‌کند، که اگر پذیرفت(مصون خواهد بود) و الا گردن او زده خواهد شد.

اشکال مطرح شده در روایت قبلی در این‌جا نیز مطرح می‌گردد بنابراین دلالت روایت بر مدعی ما تامّ نیست.

۳. در روایت دیگری امام باقر علیه‌السلام در تفسیر آیه﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ﴾(حج: ۴۱)؛ کسانی که اگر در زمین آنها را مسلط نمائیم نماز را اقامه می‌کنند و زکات می‌پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، می‌فرمایند:

فَهَذِهِ لِآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ إِلَى آخِرِ الْأَئِمَّةِ وَ الْمَهْدِيِّ وَ أَصْحَابِهِ يَمْلِكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ يُظْهِرُ بِهِ الدِّينَ وَ يُمِيتُ اللَّهُ بِهِ وَ بِأَصْحَابِهِ الْبِدَعَ وَ الْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ

السُّفَهَاءُ الْحَقَّ حَتَّى لَا يُرَى أَيْنَ الظُّلْمُ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۵۱، ص. ۴۷)؛

این آیه در شان آل محمد صلوات الله علیهم، تا آخر ائمه نازل شده است و مهدی و اصحابش را خداوند مسلط بر مشارق و مغارب زمین می‌کند و به واسطه او دین را ظاهر می‌کند و به واسطه ایشان و اصحابش بدعت‌ها و باطل را می‌میراند همان‌گونه که سفهاء حق را میرانده‌اند تا این‌که ظلمی مشاهده نمی‌شود و ایشان امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

که بنابراین روایت امر به معروف و نهی از منکر را از جمله اوصاف یاران حضرت مهدی علیه‌السلام شمرده شده است. این روایت به وضوح دلالت دارد بر صدور فسق در جامعه موعود، چرا که نهی از منکر متوقف بر صدور منکر و گناه است.

ممکن است گفته شود نهی از منکر همیشه متوقف بر صدور منکر در خارج نیست بلکه گاهی جنبه پیشگیری پیدا می‌کند، یعنی نهی از منکر صورت می‌گیرد تا مردم هیچ‌گاه به سمت منکرات نروند، بنابراین دلالت این روایت بر مدعی تمام نیست.

پاسخ این‌که در روایت دیگری به نقل جابر از امام باقر علیه‌السلام، آمده است که:

وَ اللَّهِ لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ مِنَّا رَجُلًا أَهْلَ الْبَيْتِ يَعْمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ، وَ لَا يَرَى مُنْكَراً إِلَّا أَنْكَرَهُ(جمعی از علماء، ۱۳۸۱، ص. ۲۱۸)؛

به خدا قسم که دنیا به اتمام نمی‌رسد مگر آن‌که خداوند مردی از اهل‌بیت مرا بر می‌انگیزد که به کتاب خداوند عمل می‌کند و منکری را مشاهده نمی‌کند مگر این‌که از آن نهی می‌کنند و آن را زشت می‌شمارد.

عبارت«لَا يَرَى مُنْكَراً إِلَّا أَنْكَرَهُ» به صورت اخباری است(نه شرطی) و صراحتا دلالت می‌کند بر صدور منکر، زیرا نهی از منکر توسط حضرت پس از مشاهده منکر صورت می‌گیرد، این روایت می‌تواند به نوعی قرینه باشد برای تحلیل مفهوم روایت قبلی، یعنی نهی از منکر توسط حضرت و یاران امام مهدی علیه‌السلام، پس از مشاهده عینی منکرات است.

۴. در روایتی از جابر به نقل از امام باقر علیه‌السلام آمده است که؛ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا فَإِنَّهُ يَقْسِمُ بِالسَّوِيَّةِ وَ يَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَ الْفَاجِرِ فَمَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ؛ هنگامی که قائم ما قیام کند، اموال را به طور مساوی میان مردم تقسیم می‌کنند و عدالت را میان همه بشر چه نیکوکار و چه فاسق به طور یکسان اجراء می‌کند، هر کس از ایشان اطاعت کند از خدا اطاعت کرده است و هر کس از ایشان نافرمانی نماید، خدا را عصیان نموده

است(ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج۱، ص. ۱۶۱) که طبق این روایت تصریح به وجود شخص فاسق در زمان حضرت شده است.

در روایتی مشابه پیغمبر اکرم ﷺ فرمودند:

يَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ نَعِيماً لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهُ قَطُّ الْبَرُّ وَ الْفَاجِرُ...(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۵۱، ص. ۷۸)؛

امت من اعم از نیکوکار و فاسق در زمان امام مهدی علیه‌السلام چنان از نعمات بهره‌مند می‌گردند که سابقه نداشته است.

بهره‌مندی از نعمات و برکات، در زمان پس از تشکیل حکومت حضرت مطرح می‌گردد، بنابراین در این روایت تصریح به وجود فاسقان در زمان حکومت مهدوی گردیده است.

۵. در روایت دیگری از امام باقر علیه‌السلام آمده که:

... يَبْعَثُ إِلَى الرَّجُلِ فَيَقْتُلُهُ لَا يَدْرِي فِي أَيِّ شَيْءٍ قَتَلَهُ(طبری، ۱۴۱۲ق، ص. ۴۶۶)؛

حضرت مهدی علیه‌السلام (با آگاهی از باطن افراد) حکم قتل شخصی را صادر می‌کنند که البته علت قتل او در ظاهر برای دیگران روشن نیست.

اشکالی که به این روایت وارد می‌شود این است که ممکن است این روایت ناظر به مراحل اولیه قیام آن حضرت باشد و دوره زمانی پس از تشکیل حکومت آن حضرت را شامل نمی‌گردد بنابراین دلالت روایت بر مدعی ما تامّ نیست.

۶. در کتاب ***کمال الدین*** از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که:

دَمَانِ فِي الْإِسْلَامِ حَلَالٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَا يَقْضِي فِيهِمَا أَحَدٌ بِحُكْمِ اللَّهِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْقَائِمَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ عليهم‌السلام فَيَحْكُمُ فِيهِمَا بِحُكْمِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَا يُرِيدُ عَلَى ذَلِكَ بَيِّنَةً الزَّانِي الْمُحْصَنُ يَرْجُمُهُ وَ مَانِعُ الزَّكَاةِ يَضْرِبُ رَقَبَتَهُ(ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج۲، ص. ۶۷۱)؛

دو خون در اسلام (فعلاً) حلال‌اند که احدی در این دو مورد به آنچه حکم خداست، حکم نمی‌کند تا این‌که خداوند قائم از ما اهل‌بیت را برانگیزد و حضرت در این دو مورد حکم خدا را جاری می‌سازد و در این دو مورد طلب بینه نمی‌کند؛ شخص زانی محصن را سنگسار می‌کند و گردن شخص مانع الزکات را می‌زند.

این روایت از لحاظ سندی، صحیح اعلایی است.

از امام صادق و کاظم علیهماالسلام روایتی مشابه نقل شده، که رفتار مجازاتی حکومت مهدوی در قبال فاسقان و گنهکاران را بیان می‌کند:

عَنْ أَبِي عَبْدِاللَّهِ وَ أَبِي الْحَسَنِ عليهما السلام قَالا لَوْ قَدْ قَامَ الْقَائِمُ لَحَكَمَ بِثَلَاثٍ لَمْ يَحْكُمْ بِهَا أَحَدٌ قَبْلَهُ يَقْتُلُ الشَّيْخَ الزَّانِيَ وَ يَقْتُلُ مَانِعَ الزَّكَاةِ وَ يُوَرِّثُ الْأَخَ أَخَاهُ فِي الْأَظِلَّةِ(ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج۱، ص. ۱۶۹)؛

که علاوه بر حکم به سنگسار نمودن شخص زانی محصن و زدن گردن شخص مانع الزکات، حکم به ارث بردن برادر ایمانی از یکدیگر می‌کنند.

با توجه به دلالت تام روایت ابان در کتاب *کمال الدین* از امام صادق علیه‌السلام بر صدور فسق در جامعه موعود، ابتدا این روایت را از نظر سندی و سپس دلالی مورد بررسی قرار می‌دهیم:

بررسی سندی روایت فوق:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُبْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَبْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُبْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ.

۱. محمدبن الحسن بن أحمدبن الولید؛ ایشان از بزرگان اصحاب و ثقات است.[۱]

۲. محمدبن الحسن الصفار؛ این راوی نیز از بزرگان اصحاب و ثقات است.[۲]

۳. یعقوب بن یزید؛ نام کامل ایشان، أبو یوسف، یعقوب بن یزید بن حماد الأنباري السلمي است.

ایشان ثقه است.[۳]

۴. محمدبن ابی عمیر؛ ایشان از اصحاب اجماع و بزرگان اصحاب به شمار می‌رود.[۴]

۵. ابان بن عثمان؛ ایشان از اصحاب اجماع و ثقه است.[۵]

---

۱. نجاشی ایشان را ثقه دانسته و در مورد شخصیت ایشان می‌فرماید: «شیخ القمیین و فقیههم و متقدمهم و وجههم. ... ثقة ثقة عین مسکون إلیه.» شیخ طوسی نیز تصریح به وثاقت ایشان می‌نماید و می‌فرماید: «محمد بن الحسن بن الولید القمي، جلیل القدر عارف بالرجال موثوق به»

۲. مرحوم نجاشی ایشان را ثقه و دارای شخصیت بزرگی در میان قمیین می‌داند.«کان وجها في أصحابنا القمیین ثقة عظیم القدر راجحا قلیل السقط في الروایة.» مرحوم شیخ طوسی ایشان را از راویان صاحب تالیف می‌داند.« له کتب مثل کتب الحسین بن سعید و زیادة کتاب بصائر الدرجات و غیره و له مسائل کتب بها إلی أبي محمد الحسن بن علي علیهما السلام.»

۳. مرحوم نجاشی ایشان را ثقه و صدوق و از اصحاب امام جواد علیه‌السلام می‌داند.«روی عن أبي جعفر الثاني علیه‌السلام، و انتقل إلی بغداد، و کان ثقة صدوقا» کثرت روایت و وثاقت ایشان از نظر مرحوم شیخ طوسی رحمه‌الله نیز مورد تایید است. «یعقوب بن یزید الکاتب الأنباري، کثیر الروایة، ثقة» شیخ در کتاب رجال خویش در مورد ایشان می‌فرماید:«یعقوب بن یزید الکاتب هو و یزید أبوه، ثقتان» .

٤. نجاشی تصریح به جلالت و منزلت بالای ایشان در میان عامه و خاصه می‌کند«جلیل القدر عظیم المنزلة فینا و عند المخالفین». کشی ایشان را جزو اصحاب اجماع می‌داند. شیخ طوسی ایشان را از بزرگ‌ترین افراد ثقه نزد عامه و خاصه و عابدترین و پرهیزکارترین آنها می‌داند«و کان من أوثق الناس عند الخاصة و العامة و أنسکهم نسکا و أورعهم و أعبدهم».

۵. کشی ایشان را جزو اصحاب اجماع می‌داند:«أجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح من هؤلاء و تصدیقهم لما یقولون و

۶. ابان بن تغلب؛ ایشان دارای منزلت والا نزد اصحاب و ثقه است.[1]

با توجه به وثاقت و عدالت روات مذکور در سند، روایت صحیح اعلایی است.

اشکالی که ممکن است به این دلیل وارد گردد این است که این رفتار حضرت به قرینه عبارت«حتی یبعث الله عزوجل القائم...» ناظر به شروع قیام حضرت است، حال آن‌که آنچه مدعی ما، صدور فسق پس از تشکیل حکومت مهدوی است.

در جواب می‌توان گفت که قید زمانی«حتی یبعث الله عزوجل القائم...» در مقام بیان ابتدای زمان اجرای این حکم است و لذا زمان اجرای احکام مذکور، منحصر به شروع قیام حضرت نمی‌گردد بلکه با توجه به اطلاقی که دارد، زمان پس از تشکیل حکومت مهدوی را نیز در بر می‌گیرد.

پاسخ مهم دیگری که می‌توان به این روایت و روایات مشابه آن داد این است که اجرای حدود پس از استقرار حکومت مهدوی مطرح می‌گردد زیرا تا قبل از تشکیل حکومت، قدرت در دستان حضرت نیست که بتوانند حدود را در جامعه جاری نمایند و لازمه اجرای حدود تحقق فسق در جامعه است، بنابراین روایت به روشنی دلالت بر وقوع فسق در حکومت مهدوی می‌کند.

۷. دلیل دیگری که بر وجود فسق در حکومت مهدوی دلالت دارد، روایاتی اند که بیانگر این مطلب اند که حضرت مهدی علیه‌السلام همانند حضرت داود بدون بینه قضاوت می‌نمایند. در

أقروا لهم بالفقه من دون أولئك الستة الذين عددناهم و سميناهم ستة نفر: جميل بن دراج و عبدالله بن مسكان و عبدالله بن بكير و حماد بن عيسى و حماد بن عثمان و أبان بن عثمان قالوا و زعم أبو إسحاق الفقيه يعني ثعلبة بن ميمون: أن أفقه هؤلاء جميل بن دراج و هم أحداث أصحاب أبي عبدالله علیه‌السلام ».

آیت‌الله خویی در کتاب معجم رجال خویش ایشان را به خاطر قرار گرفتن در اسناد کتاب کامل الزیارات، ثقه می‌داند«و هو يكفي في توثيقه، على أنه وقع في طريق جعفر بن محمد بن قولويه في كامل الزيارات، و قد شهد بأن ما وقع فيه من الثقات».

۱. نجاشي ایشان را از بزرگان از اصحاب دانسته و می‌فرماید که ایشان، نزد ائمه دارای منزلت و قدم است: «أبوسعيد البكري الجريري مولى بني جرير بن عبادة بن ضبيعة بن قيس بن ثعلبة بن عكابة بن صعب بن علي بن بكر بن وائل، عظيم المنزلة في أصحابنا، لقي علي بن الحسين و أباجعفر و أباعبدالله علیهم‌السلام، روى عنهم، و كانت له عندهم منزلة و قدم».

ایشان کسی است که امام باقر علیه‌السلام به او فرمودند: در مسجد مدینه بنشین و به مردم فتوا بده همانا من دوست دارم که در میان شیعیانم مانند تو را ببینم «قال له أبوجعفر علیه‌السلام : اجلس في مسجد المدينة و أفت الناس، فإني أحب أن يرى في شيعتي مثلك.» امام صادق علیه‌السلام هم پس از اطلاع از مرگ ابان، در حق او فرمودند که: به خدا مرگ ابان، قلب مرا به درد آورد. « و قال أبوعبدالله علیه‌السلام ـ لما أتاه نعيه ـ أما و الله لقد أوجع قلبي موت أبان» مرحوم نجاشی ایشان را قاری، فقیه و لغوی می‌دانند«و كان قارئا من وجوه القراء، فقيها لغويا سمع من العرب و حكى عنهم». مرحوم شیخ طوسی رحمه‌الله ایشان را ثقه و جلیل‌القدر و دارای منزلت بالایی در میان اصحاب می‌داند«ثقة، جليل القدر، عظيم المنزلة في أصحابنا، لقي أبا محمّدعلي بن الحسين و أباجعفر و أباعبدالله علیهم‌السلام و روى عنهم، و كانت له عندهم حظوة و قدم».

این‌باره دوازده روایت به طرق متعدد نقل و به صورت صریح دلالت دارند که امام بدون بینه قضاوت و حکم می‌نمایند.

به طور کلی این روایات به لحاظ کثرت روایی، کثرت طرق و صحت سندی، برخی از آنها معتبر و قابل استفاده‌اند.

امام صادق علیه‌السلام در روایتی صحیح السند به ابوعبیده حذاء فرمودند:

... يَا أَبَا عُبَيْدَةَ إِنَّهُ لَمْ يُمْنَعْ مَا أُعْطِيَ دَاوُدَ أَنْ أُعْطِيَ سُلَيْمَانَ ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا عُبَيْدَةَ إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ لَا يَسْأَلُ بَيِّنَةً(کلینی، ۱۴۰۷، ج۱ ؛ ص. ۳۹۷)؛

ای اباعبیده آنچه خداوند به داود عطا فرمود، مانع آنچه به سلیمان عطا کرد، نگشت سپس فرمود: ای اباعبیده! زمانی که قائم ما قیام کند همچون داود و سلیمان حکم می‌کند و از مردم شاهد هم نمی‌خواهد.

حکم کردن میان مردم به خاطر وجود اختلاف میان آنهاست و منشأ هر اختلافی انکار حق و واقع و تبعیت از هوای نفس است و انکار حق و تبعیت از هوای نفس مساوی است با فسق، در نتیجه صدور فسق در حکومت مهدوی اثبات می‌گردد.

روایت دوم در این زمینه روایتی است از امام صادق علیه‌السلام که دلالت دارد بر این‌که حضرت مهدی علیه‌السلام طبق علم الهی و براساس واقع میان مردم قضاوت می‌نمایند:

عَنْ أَبِي عَبْدِاللَّهِ علیه‌السلام قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ... (مفید، ۱۴۱۳ق، ج۲، ص. ۳۸۶)؛

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: هنگامی که قائم آل محمد قیام کند میان مردم به نحو قضاوت داود حکم می‌کند؛ احتیاج به بینه نخواهد داشت و خداوند حکم واقع را به او الهام می‌کند.[1]

۸. روایتی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که در تفسیر آیه﴿وَ الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لا يُنْفِقُونَها فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلِيمٍ﴾(توبه:۳۴)؛ کسانی که طلا و نقره را ذخیره می‌کنند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند را به عذابی دردناک بشارت بده، فرمودند:

مُوَسَّعٌ عَلَى شِيعَتِنَا أَنْ يُنْفِقُوا مِمَّا فِي أَيْدِيهِمْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا حَرَّمَ عَلَى كُلِّ ذِي كَنْزٍ

۱. ر.ک: الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد؛ ج۲؛ ص۳۳۱، بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، ج۱، ص۲۵۹، الخصال؛ ج۲؛ ص۶۴۹، الكافي(ط - الإسلامية)؛ ج۱؛ ص۳۹۷،الكافي ج۱، ص۵۰۹، كمال الدين و تمام النعمة؛ ج۲؛ ص۶۷۱، الخرائج و الجرائح؛ ج۲؛ ص۸۶۰، مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج۱۷؛ ص۳۶۴.

كَنْزَهُ حَتَّى يَأْتِيَهُ بِهِ فَيَسْتَعِينَ بِهِ عَلَى عَدُوِّهِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ﴿وَ الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لا يُنْفِقُونَها فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلِيمٍ﴾(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۴، ص. ۶۱)؛

شیعیان ما وسعت دارند که از اموالی که دارند در راه خیر انفاق نمایند زمانی که قائم ما قیام نماید بر هر صاحب گنجی، گنجش را حرام می‌نماید تا این‌که گنج او را می‌آورد و در راه مبارزه با دشمنان هزینه می‌کند.

در مورد سند این روایت با توجه به اختلاف فراوان درباره محمدبن سنان، می‌توان گفت روایت صحیح یا ضعیف علی المبنا است.

طبق آیه شریفه، به کسانی که ثروت‌اندوزی می‌کنند و اموال‌شان را در راه خداوند انفاق نمی‌کنند، وعده عذاب دردناک داده شده است، که این کاشف از گناه و عمل فاسقانه آنان است، بنابراین حضرت پس از قیام‌شان، ثروت‌اندوزی را تحریم می‌کنند و اموال را در راه مبارزه با دشمنان خرج می‌کنند.

اشکال این روایت این است که احتمال دارد که این روایت ناظر به مراحل ابتدایی قیام حضرت باشد نه پس از تشکیل حکومت مهدوی که مدعی و مطلوب ماست.

۹. در روایت دیگری آمده که«لو قد قام قائمنا لبدأ بكذابي الشيعة فقتلهم»؛ امام مهدی علیه‌السلام پس از قیام‌شان، ابتدا سراغ کذابین شیعه‌نما می‌روند و آنها را به قتل خواهند رسانید(حر عاملی، ۱۴۲۵ق، ج۵، ص. ۱۵۶).

در دلالت این روایت بر مدعی، اشکال می‌شود که عبارت(لو قد قام قائمنا) ناظر به مراحل اولیه قیام حضرت است که طبیعتاً هنوز افراد کذّاب و فاسق وجود دارند بنابراین روایت، دلالت بر وجود فاسق پس از تشکیل و استقرار حکومت مهدوی ندارد.

۱۰. در روایت دیگری امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

بَيْنَا الرَّجُلُ عَلَى رَأْسِ الْقَائِمِ يَأْمُرُهُ وَ يَنْهَاهُ إِذْ قَالَ أَدِيرُوهُ فَيُدِيرُونَهُ إِلَى قُدَّامِهِ فَيَأْمُرُ بِضَرْبِ عُنُقِهِ فَلَا يَبْقَ فِي الْخَافِقَيْنِ شَيْءٌ إِلَّا خَافَهُ(نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص. ۲۳۹)؛

در آن میان که مردی پشت سر قائم علیه‌السلام ایستاده و به حضرت امر و نهی می‌کند که ناگاه حضرت دستور مي‌دهد که او را برگردانید پس او را به مقابل آن حضرت برمي‌گردانند پس دستور مي‌دهد تا گردنش را بزنند پس در شرق و غرب چیزی نمی‌ماند مگر آن‌که از او مي‌ترسد.

تذکر این نکته لازم است که شخص مقتول، حتماً فردی واجب‌القتل بوده است که حضرت

با علم الهی خویش به باطن افراد حکم قتل او را صادر می‌کنند که روایت بعدی این نکته را روشن می‌سازد. احتمال دارد که این روایت مربوط به مراحل ابتدایی قیام حضرت باشد، پس دلالت بر مطلوب ما نمی‌کند.

۱۱. در روایتی امام صادق علیه‌السلام ذیل آیه﴿يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ﴾(الرحمن:۴۱)؛ روزی که مجرمین از چهره‌های‌شان شناخته می‌شوند، فرمودند:

اللَّهُ يَعْرِفُهُمْ وَ لَكِنْ نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ يَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ فَيَخْبِطُهُمْ بِالسَّيْفِ هُوَ وَ أَصْحَابُهُ خَبْطاً(نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص. ۲۴۲)؛

آنان را خداوند می‌شناسد ولی این آیه درباره قائم نازل شده است که او آنان را از قیافه‌شان می‌شناسد و او و یارانش آنان را از دم شمشیر می‌گذرانند.

در مورد این روایت هم می‌توان گفت که مربوط به درگیری‌ها و اصلاحات، در اوائل قیام حضرت است، بنابراین دلالتی بر وجود مجرمان پس از تشکیل حکومت حضرت ندارد.

۱۲. در روایت دیگری امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه‌السلام لَمْ يَقُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ الرَّحْمَنِ إِلَّا عَرَفَهُ صَالِحٌ هُوَ أَمْ طَالِحٌ...(ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج۲، ص. ۶۷۱)؛

هر گاه قائم قیام کند، هیچ کس از مخلوق خدا در پیش روی او نمی ایستد جز این‌که او را می‌شناسد که بدکار یا نیکوکار است.

اشکالی که ممکن است به این دلیل وارد گردد این است که به قرینه عبارت(اذا قَامَ الْقَائِمُ)این رفتار حضرت ناظر به شروع قیام حضرت است، حال آن‌که آنچه مدعی ما صدور فسق پس از تشکیل حکومت مهدوی است.

۱۳. دلیل پایانی که دلالت بر وجود فسق در حکومت مهدوی می‌کند، روایتی است که پایان عمر همه امامان علیهم‌السلام را شهادت(مرگ غیرطبیعی) ذکر کرده است چرا که شهادت حضرت حتماً به دست انسان فاسقی صورت می‌گیرد.

در روایتی شیخ صدوق به نقل از اباصلت هروی نقل می‌کند: از امام رضا علیه‌السلام شنیدم که فرمود:

وَ اللَّهِ مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ شَهِيدٌ(ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج۲، ص. ۵۸۵)؛

به خدا سوگند! نیست از ما مگر کشته شده به شهادت رسیده.

این روایت را فقط شیخ صدوق نقل کرده است. وی روایت یادشده را در کتاب ***من لایحضره***

الفقیه، به صورت مرسل (بدون ذکر کامل سند) و در دو کتاب *امالی* (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص. ۶۳) و *عیون اخبار الرضا* علیه‌السلام (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج۲، ص. ۲۵۶) با ذکر سند آورده است.

این روایت دارای سندی صحیح و معتبر است؛ در نتیجه می‌تواند نقص اسناد روایات قبل را جبران کند. متن و سند روایت نقل شده در کتاب *امالی* عبارت است از:

> **حَدَّثَنَا مُحَمَّدُبْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الصَّلْتِ عَبْدِالسَّلَامِ بْنِ صَالِحٍ الْهَرَوِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ الرِّضَا علیه‌السلام يَقُولُ وَ اللَّهِ مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ شَهِيدٌ فَقِيلَ لَهُ فَمَنْ يَقْتُلُكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ شَرُّ خَلْقِ اللَّهِ...؛**
>
> عبدالسلام بن صالح هروی گوید از حضرت رضا علیه‌السلام شنیدم می‌فرمود به خدا کسی از ما نیست جز آن‌که مقتول و شهید می‌گردد، به ایشان عرض شد یا ابن رسول الله چه کسی شما را می‌کشد؟ فرمود بدترین خلق خدا...(ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص. ۶۳).

افراد ذکر شده در سند روایت فوق، امامی و ثقه هستند، بنابراین روایت از جهت سندی معتبر است. از جهت دلالی نیز روایت دارای مضمون بلندی است.

اطلاق ذکر شده در روایت شامل امام عصر علیه‌السلام نیز می‌گردد و دلیل معتبری بر تخصیص حکم شهادت نسبت به امام دوازدهم، نداریم.

۲. روایات دال بر امتناع صدور فسق در جامعه موعود

در نقطه مقابل، این ادله، روایات دیگری داریم دال بر انتفاء صدور فسق در جامعه موعود، از جمله روایات متعددی دلالت دارند بر این‌که خداوند به وسیله حضرت زمین را پر از قسط و عدل می‌کند بعد از آن‌که پر از ظلم و ستم شده بود (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج۱، ص. ۲۸۵).

با توجه به ماده «ملء»هنگامی که زمین پر از عدالت شود دیگر جایی برای ظلم باقی نمی‌مانند.

در روایت دیگری آمده است که إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه‌السلام حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ؛ زمانی که قائم قیام کنند، بساط جور در حکومت مهدوی مرتفع می‌گردد(مفید، ۱۴۱۳ق، ج۲، ص. ۳۸۴). همچنین در روایت دیگری نقل شده است که ... يُبِيرُ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ يُهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ؛ خداوند به وسیله حضرت مهدی علیه‌السلام تمامی‌جبّاران عنود را نابود می‌کند و هر شیطان متمرّدی را هلاك می‌سازد(ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج۲، ص. ۳۶۹).

در روایت دیگری امام مجتبی علیه‌السلام می‌فرمایند که بعد از قیام حضرت مهدی علیه‌السلام فاجری در دنیا نخواهد بود:

فَإِنَّ الدُّنْيَا تَسَعُ الْبَرَّ وَ الْفَاجِرَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ إِمَامَ الْحَقِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۴۴، ص. ۶۰)؛

همانا در دنیا افراد نیکوکار و فاسق خواهند بود تا این‌که خداوند امام حق از آل محمد(صلوات الله علیه) را برانگیزد.

در روایت دیگری امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا ...لَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ(ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج۲، ص. ۶۱۱)؛

هنگامی که قائم ما قیام کند، کینه و دشمنی از قلوب بندگان زائل می‌شود.

وجه جمع میان دو دسته از ادله

همان‌طور که بیان گردید، دلالت ۴ آیه ذکر شده در بحث(آیات ۵۵ نور، ۱۴و ۶۴ مائده، آیه ۱۶۷ اعراف) بر صدور فسق در جامعه موعود روشن بود اما از میان روایات دال بر صدور فسق در جامعه موعود، روایت‌های سوم، چهارم، ششم، هفتم و دوازدهم، دلالت‌شان بر وجود فاسق در جامعه موعود بدون اشکال بود. در صورتی که بتوانیم میان این دو دسته از ادله نقلی جمع عرفی نمائیم این عمل مقدم است و در غیر این‌صورت سراغ قواعد باب تعارض می‌رویم.

وجه جمع میان این دو طائفه از روایات این است که اخبار دال بر انتفاء صدور فسق در جامعه موعود را حمل بر ندرت صدور فسق در جامعه موعود کنیم، بدین بیان که در حکومت مهدوی به حدی عدالت و اعمال صالح فراگیر می‌شود که گویا صدور فسق و گناه جزئی که صادر می‌شود، ناچیز و منتفی است.

وجه جمع دیگری که در این‌جا می‌توان ذکر کرد بدین بیان که: می‌توان گفت طبق اخبار دال بر انتفاء صدور فسق در جامعه موعود، فضای عمومی جامعه خالی از فسق و گناه خواهد بود و احیانا اگر فسقی صادر شود به خاطر ترس از مجازات سنگین در خلوات خواهد بود. به عبارت دیگر فساد سیستمی نخواهد بود بلکه احیاناً فردی خواهد بود.

اما بر فرض عدم پذیرش نحوه جمع مذکور، نوبت به قواعد باب تعارض می‌رسد و در این‌جا از این رو که برخی از آیات دلالت بر صدور فسق در جامعه موعود می‌کردند، همچنین روایات متعددی دال بر صدور فسق در جامعه موعود بودند، از آن‌جایی که این دسته از روایات، موافق با کتاب هستند، مقدم‌اند بر دسته دیگر از روایات دال بر انتفاء فسق و فجور در جامعه موعود.

نتیجه‌گیری

آنچه از مطالب این پژوهش نتیجه گرفته می‌شود این است که، صدور فسق در جامعه

موعود از نظر عقلی، امکان ذاتی و وقوعی دارد و از لحاظ نقلی نیز آیات و روایات متعددی دلالت بر وقوع فسق در چنین جامعه موعودی می‌کنند، در نقطه مقابل، روایاتی دلالت بر انتفاء صدور فسق در جامعه موعود می‌کردند که وجه جمع مختار نزد ما این بود که اخبار دال بر انتفاء صدور فسق در جامعه موعود را حمل بر ندرت صدور فسق در جامعه موعود کنیم، بدین بیان که در حکومت مهدوی با تضعیف زمینه‌های صدور فسق و تقویت زمینه‌های صدور اعمال صالح، به حدی فضای جامعه عاری از معاصی می‌شود که گویا فسق جزئی که صادر می‌شود، به حساب نیامده و منتفی است.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ابن بابویه، محمدبن علی. (۱۳۶۲). ***الخصال***. قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمدبن علی. (۱۳۷۶). ***الأمالي***. تهران: کتابچی.
- ابن بابویه، محمدبن علی. (۱۳۷۸ق). ***عیون أخبار الرضا*** علیه‌السلام. تهران: جهان.
- ابن بابویه، محمدبن علی. (۱۳۸۵). ***علل الشرائع***. قم: داوری.
- ابن بابویه، محمدبن علی. (۱۳۹۵ق). ***کمال الدین و تمام النعمة***. تهران: اسلامیه.
- ابن بابویه، محمدبن علی. (۱۴۱۳ق). ***من لا یحضره الفقیه***. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن فارس، ابوالحسین أحمد. (۱۴۰۴ق). ***معجم مقاییس اللغة***. قم: مکتبة الاعلام الاسلامیه.
- ابن کثیر. اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ق). ***تفسیر القرآن العظیم***. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمدبن مکرم. (۱۴۱۴ق). ***لسان العرب***. بیروت: دارالفکر.
- الهی‌نژاد، حسین. (۱۳۹۴). تاملی بر نظریه وجود اهل کتاب در دوران حکومت جهانی امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف. ***انتظار موعود***. (۴۹)
- انصاری، خواجه عبدالله. (۱۳۷۱). ***کشف الاسرار و عدة الابرار***. امیرکبیر.
- برقی، احمدبن محمدبن خالد. (۱۳۷۱ق). ***المحاسن***. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- جمعی از علماء. (۱۳۸۱). ***اصول ستة عشر***. قم: دارالحدیث.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۹). ***تفسیر تسنیم***. قم: مرکز نشر اسراء.
- حر عاملی، محمدبن حسن. (۱۴۲۵ق). ***إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات***. بیروت: اعلمی.
- خزاز رازی، علی بن محمد. (۱۴۰۱ق). ***کفایة الأثر في النصّ علی الأئمة الإثني عشر***. قم: بیدار.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). ***مفردات ألفاظ القرآن***. دمشق: دار القلم.

- زکی، زهره و عظیمی‌فر، علیرضا. (۱۴۰۳). بررسی تفسیری آیه ۵۵ سوره نور بر حاکمیت الهی صالحان بر زمین با رویکرد تطبیقی. *نشریه قرآنی کوثر*، ۲۴(۱)، صص ۶۵-۸۴.
- زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق). ***الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل وعیون الأقاویل فی وجوه التأویل***. بیروت: دارالکتاب العربي.
- سبزواری، ملا هادی. (۱۳۶۹). ***شرح المنظومه***. تهران: نشر ناب.
- شاهدی، غفار. (۱۳۸۲). اختیار و اراده در عالم برزخ. ***کلام اسلامی***. (۴۷)
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۳۶ق). ***بدایة الحکمة***. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴)، ***ترجمه تفسیر المیزان*** (سید محمدباقر موسوی همدانی، مترجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبری، محمدبن جریر. (۱۴۱۲ق). ***جامع البیان فی تفسیر القرآن***. بیروت: دارالمعرفه.
- طبسی، نجم‌الدین. (۱۳۸۶). ***نشانه‌هایی از دولت موعود***. قم: بوستان کتاب.
- طوسی، محمدبن حسن. (۱۳۸۹). ***التبیان فی تفسیر القرآن***. بیروت: دار احیاء تراث العربی.
- عزیز بیگی، محمد. (۱۳۹۹). ***وضعیت تکلیف و گناه در عصر مهدوی. پایان‌نامه سطح سه***. قم: مرکز تخصصی مهدویت قم.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد. (۱۴۰۹ق). ***کتاب العین***. قم: هجرت.
- قرطبی، محمدبن احمد. (۱۴۱۷ق). ***الجامع لاحکام القرآن***. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷ق). ***الکافي***. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). ***بحارالأنوار***. بیروت: دار احیاء تراث العربی.
- مدرسه فقاهت، استاد غلامرضا فیاضی، ***شرح بدایه الحکمه***، موضوع اقسام امکان.
- المراغی، احمد مصطفی. (۱۴۰۰ق). ***تفسیر المراغی***. قم: دارالفکر.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۸). ***آموزش فلسفه***، قم: بی‌نا.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). ***الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد***. کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). ***تفسیر نمونه***. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). ***حکومت جهانی مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف***. قم: نسل جوان.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۷۸). ***معاد از دیدگاه امام خمینی***. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله‌علیه.
- نعمانی، محمدبن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). ***الغیبة***. تهران: صدوق.
- یعقوب، امیل بدیع. (۱۹۹۸م). ***موسوعة الصرف و النحو والاعراب***. بی‌جا: بی‌نا.